

سه‌شنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۹ ۱۰ شوال ۱۴۴۱
۲۰ ژوئن ۲۰۲۰

اخبار

بررسی ثبت جهانی خوشنویسی در سال ۲۰۲۲

اسپانیا شریک مقرنس نشد

مصطفی پورعلی مدیر کل دفتر ثبت آثار تاریخی و فرهنگی به خبرنگار مهر گفت: پرونده‌های پیشنهادی برای ثبت جهانی را به سازمان یونسکو ارسال کرده‌ایم سهمیه کشورها برای ارسال پرونده به صورت ملی یک سال در میان است. به همین دلیل تلاش شد از ظرفیت پرونده‌های چند ملیتی یعنی مشترک با کشورهای دیگر استفاده کنیم که البته این آثار نیز به عنوان میراث جهانی ایران ثبت می‌شوند. وی گفت: سال گذشته چهار پرونده برای ثبت در اجلاس میراث ناملموس سال ۲۰۲۰ فرستاده شد مانند مهارت ساختن و نواختن ساز سنتی عود مشترک با سوریه، زیارت تادئوس مشترک با ارمنستان، مینیاتور مشترک با ترکیه ترکمنستان، آذربایجان و ازبکستان و جشن مهرگان.
منتها تاریخ اجلاس میراث جهانی ۲۰۲۰ به دلیل شیوع ویروس کرونا هنوز اعلام نشده است. ایران در اجلاس ۲۰۲۰ سهمیه ملی ندارد چون در سال ۲۰۱۹ سهمیه ملی را که همان دوتار ایرانی بود استفاده کردیم و این میراث ناملموس جهانی شد. اما پرونده مشترک می‌تواند افتادن باشد به همین دلیل برای سال ۲۰۲۰ پرونده مینیاتور با همکاری کشورهای دیگر تهیه شد.

وی گفت: پرونده ثبت ملی پیدا نیز اصلاح و دوباره ارسال شد این پرونده ملی است و سهمیه لازم دارد یعنی مانند هر پرونده ملی دیگر که دو سال یک بار مطرح می‌شود. پرونده‌هایی که نوروز امسال به یونسکو ارائه شد می‌بایست در سال ۲۰۲۱ بررسی شوند مانند پرونده پیدا. در نوروز ۹۹ دو پرونده مهارت سنتی ساختن و نواختن رباب را مشترک با تاجیکستان و ازبکستان و جشن سده را با تاجیکستان به صورت مشترک ارسال کردیم.

پورعلی گفت: به دلیل محدودیت‌های در نظر گرفته شده به سمت پرونده‌های چند ملیتی رفته‌ایم. حتی می‌خواستیم پرونده مقرنس را با همراهی اسپانیا جهانی کنیم این هنر در ایران تاریخچه طولانی دارد و ممکن است ازایران به نقاط مختلف جهان رفته باشد. در آثار تاریخی کوردوبای اسپانیا مقرنس کار شده با آنها در این باره صحبت کردیم اما گفتند این هنر دیگر در اسپانیا رواج ندارد و برای یک دوره تاریخی بوده است و الان یوانا نیست با عراق نیز وارد مذاکره شدیم اما در نهایت نشد بنابراین امیدواریم در آینده این پرونده به عنوان پرونده ملی ثبت شود. وی گفت: برای پرونده کشتی پهلوانی نیز از مزیت چند ملیتی استفاده می‌کنیم و برای اجلاس ۲۰۲۲ این پرونده را ارسال خواهیم کرد. سعی شد از طبقه بندی برنامه پاسداری خوب از میراث ناملموس استفاده کنیم و پرونده زیارت رضوی و خوشنویسی را در این فرمت تدوین و ارسال کردیم.

وی با بیان اینکه میراث ناملموس ایران بیشتر در فهرست معرف ثبت شده است گفت: در فهرست پاسداری خوب از میراث ناملموس شاید کمتر از ۲۵ کشور پرونده داشته باشند بنابراین می‌توان از ظرفیت این فهرست نیز استفاده کرد و پرونده آئین زیارت رضوی را با استفاده از این ظرفیتی ثبت کرد. به همین دلیل پرونده آن را ارسال شد. پرونده خوشنویسی نیز در این فهرست جای می‌گیرد و ثبت می‌شود چون در ایران پاسداری خوبی از آن شده است و برنامه ملی در این خصوص در کشور جریان دارد. مدیرکل دفتر ثبت آثار تاریخی گفت: یونسکو به تازگی نامای زده که از مفاد آن این طور برمی‌آید که در این فهرست نیز هر سال هر کشوری تنها یک سهمیه دارد بنابراین احتمال دارد که خوشنویسی که برای یونسکو ارسال شده در سال ۲۰۲۲ مطرح شود.

پور علی در پاسخ به اینکه چرا پرونده نخل در میان برخی از کشورهای همسایه ایران به ثبت جهانی رسید اما ایران با وجود اینکه نخلستان‌های زیادی دارد در این پرونده قرار نگرفت گفت: از کشور ایران برای مشارکت در این پرونده دعوت نشد و گرنه تمایل داشتیم به این پرونده ملحق شویم از طرفی کشورهای تدوین کننده این پرونده نیز کشورهای عربی بودند و پیشنهادی به ایران در این باره ندادند. البته براساس مقررات یونسکو در این خصوص محدودیت نداریم یعنی می‌توانیم در سالیهای آینده این موضوع را به صورت ملی ارسال و در فهرست جهانی ثبت کنیم. در پرونده‌های ثبت جهانی ناملموس انحصار نداریم یعنی اگر یک عنصر ناملموس توسط کشوری ثبت شده، انحصار ایجاد نمی‌کند که کشور دیگری آن را ثبت نکند.

ارائه بیش از ۳۶۰ میلیارد ریال تسهیلات به فعالان صنعتی

پویا معتمدیان معاون صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی گفت: این تسهیلات در راستای رونق و توسعه کسب‌وکارهای حوزه صنایع‌دستی و تقویت جایگاه تولید و بازرگانی صنایع‌دستی از محل اعتبارات فنی و اعتباری از نیمه دو سال ۹۷ تا پایان سال ۹۸ که ۹۰ کارگاه تولیدی و فعال بازرگانی، پرداخت شده است.

او افزود: پرداخت کمک‌های فنی و اعتباری در حوزه صنایع‌دستی با نرخ بهره ۱۰ درصد، تنفس شش ماهه و بازپرداخت ۲۴ ماهه است که در نوع خود، دارای شرایط بسیار ویژه‌ای برای فعالان حوزه صنایع‌دستی محسوب می‌شود.

معاون صنایع‌دستی کشور افزود: ارائه تسهیلات یکی از برنامه‌هایی است که در معاونت صنایع‌دستی در قالب کمک به‌منظور توسعه کسب‌وکارها، فرصت‌سازی، ایجاد انعطاف بیشتر در محیط‌های بازرگانی، تجاری و تسهیل‌گری برای فعالان و کمک به ذی‌نفعان در نظر گرفته می‌شود.

او گفت: برای حمایت بیشتر از هنرمندان صنایع‌دستی پرداخت تسهیلات به فعالان این حوزه در سال ۹۹ نیز ادامه دارد.

لئوپولد دوم (Leopold Louis Philippe Marie Victor) در ۹ آوریل ۱۸۳۵ در بروکسل به دنیا آمد و ۱۷ دسامبر ۱۹۰۹ از دنیا رفت. او دومین پادشاه بلژیک بوده و سلطنت را بعد از پدرش لئوپولد اول به ارث برد. او دومین فرزند لئوپولد اول و لوئیز اورلئان بود. وی ۱۲ دسامبر ۱۸۶۵ به تخت نشست و تا پایان عمر پادشاه بلژیک بود.

این بلژیکی خون‌خوارترین پادشاهی است که تاریخ به خود دیده است. لئوپولد دوم که بانی استعمار و غارت کنگو شناخته می‌شود در طول مدت اشغال جمهوری دُمکراتیک کنگو، موجب شکنجه و قتل بیش از ۱۰ میلیون نفر از مردم این کشور شد. لئوپولد دوم از ۱۸۶۵ تا ۱۹۰۹ کنگو را به بند استعمار؛ قتل و غارت کشید. هولوکاست عظیم کنگو در همین زمان رقم خورد. جنایات او قابل‌مقایسه با جنایتکار دیگری در دنیا نیست.

اما لئوپولد انساندوست بزرگی بود و بیشتر سود حاصل از طرح تبدیل کنگو به یک نیول شخصی‌اش نه به جهت تجملات شخصی بلکه به نفع مردم بلژیک برای احداث تأسیسات عمومی، موزه‌ها، آسایشگاه‌ها و… صرف شد. پاپ لئوپولد را یکی از قدیسان می‌دانست. هولوکاست بلژیک از اسفبارترین جریان‌ها در نتیجه روندی به نام جهانی شدن بود. روند جهانی شدن که از قرن هجدهم به تدریج آغاز شد امروز در نقطه اوج خود قرار دارد. بی‌شک لئوپولد دوم الگوی همه رهبران جدید دنیای جهانی شده ماست.

۱. ویلیام بنت، محافظه‌کار مشهور و نویسنده کتاب «فصلال» در برنامه زنده «صبح در آمریکا» به صراحت سخنان جنجال‌آمیزی گفت: «من واقعاً بدین گفته اعتقاد دارم که اگر خواستار کاهش جرم هستیت و اگر تنها به همین هدف چشم‌داری می‌توانید تک‌تک کودکان سیاهپوست را در این کشور عقیم کنید. تا بدین ترتیب نرخ بزهکاری در آمریکا کاهش یابد.
»

کاخ سفید بی‌درنگ از خود واکنش نشان داد:

این اظهارات مناسب نبوده است…

رهبران جامعه جدید آمریکا یک‌یکه‌یک علیه موضوع می‌گرفتند و در عین حال واقعیت نه تنها تغییر نی‌کرده بود بلکه جداسازی‌ای فزاینده از تقسیم نژادی در جریان بود. چه اتفاقی در حال رخ دادن بود؟ در یک همزمانی تاریخی نظریه پایان تاریخ فوکویاما، ایمان به پیروزی نهایی لیبرال دموکراسی در تاریخ پایان پذیرفته بود، دورانی که قرار بود همه چیز را تیول شخصی خود کنند. ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاده بود و «دیگری» نشان داده بود که لیاقت ندارد، ما به دوران «دیوارها» وارد شده بودیم. اما ماجرا به شدت پیچیده‌تر بود. یک دیوار کشی بزرگ و پنهانور بین دو دسته از آدم‌ها در دنیا اتفاق افتاده بود. سرمایه‌داران و غیر آنها.

اما این بار ما با دیوار برلین مواجه نبودیم. دیوار جدید نباید دیده شود. در دنیای تسلط رسانه‌ها و پیچیدگی موضع‌گیری‌ها این استراتژی سخت اما حساب شده‌ای بود: بر دیوارهای کوتاه‌تر و سطحی‌تری تمرکز کنیم تا دیوارهای واقعی به تدریج در زیر لایه‌های مدیریت جدید جهان پنهان شود.

انتشارات کتاب فانوس به تازگی رمان «نه‌ادمی» اثر اوسامو دازای و ترجمه مرتضی صانع را با شمارگان ۵۰۰ نسخه، ۱۰۰ صفحه و بهای ۱۸ هزار تومان منتشر کرده است. این انتشارات بهار سال گذشته (۱۳۹۸) رمان «شایو» این نویسنده را نیز با ترجمه مرتضی صانع منتشر کرده بود که در عرض یکسال به چاپ چهارم رسید. اوسامو دازای، از سرشناس‌ترین و اثرگذارترین نویسندگان ژاپنی است. بسیاری از نویسندگانی که اکنون بدل به نماد ادبیات و فرهنگ ژاپن شده‌اند، وامدار او هستند. دازای سال ۱۹۴۸ و در سن ۳۸ سالگی از دنیا رفت و علیرغم اهمیتی که در ادبیات معاصر ژاپن داشت، اما پیش از انتشار رمان «شایو» صرفاً یکی دو داستان کوتاه از او به فارسی منتشر شده بود.

به مناسبت انتشار این رمان با آرش معدنی پور، مدیر انتشارات کتاب فانوس به گفت‌وگو نشستیم. معدنی‌پور درباره زندگی دازای گفت: اوسامو دازای سال ۱۹۰۹ به دنیا آمد و به سال ۱۹۴۸ به زندگی خود پایان داد. او زندگی پر فراز و نشیب و پرماجری داشت و چندین بار نیز خودکشی کرد. البته در فرهنگ ژاپن خودکشی معنای متفاوتی به نسبت فرهنگ ایران دارد و لزوماً نشان دهنده ناامیدی و سرخوردگی نیست؛ بلکه قسمتی از سبک زندگی ژاپنی‌هاست. آنها در فرهنگشان خودکشی‌های متعدد با اشکال گوناگون دارند مثل هاراکیری، کامیکازه و…

وی افزود: آخرین مرحله خودکشی دازای «جوشی» نام داشت که در واقع یک خودکشی دوفرهه است که زوج‌ها انجام می‌دهند. در این روش زوجین همدیگر را به طنابی که سر آن به یک تیر چوبی اتصال دارد، بسته و هم‌زمان خود را داخل یک رودخانه خروشان می‌اندازند. دازای در سن جوانی این خودکشی را انجام می‌دهد، اما صرفاً خانم همراه او می‌میرد و دازای تا سال‌ها با عذاب وجدان حاصل از زنده ماندن خود، زندگی می‌کند، تا اینکه در نهایت در سن ۳۹ سالگی دوباره به همین روش خود را در رودخانه تاما می‌اندازد؛ و اینبار او و خانم همراهش هر دو می‌میرند.

دازای در ایران

معدنی‌پور در بخش دیگری از این گفت‌وگو به سابقه حضور نام «اوسامو دازای» در رسانه‌ها و بازار نشر ایران پرداخت: درباره دازای در ایران مقاله مفصلی را هاشم رجب زاده به سال ۱۳۷۴ در نشریه «کلک» منتشر کرد. رجب زاده سال‌ها در ژاپن استاد دانشگاه بود. او تسلط خاص و ویژه‌ای به ادبیات و فرهنگ ژاپن دارد و مقالات متعددی را هم درباره فرهنگ ژاپن و تأثیرات متقابل فرهنگ ایران و ژاپن بر همدیگر منتشر کرده است. جالب اینجاست که در همین مقاله رجب زاده مشخصاً درباره رمان «نه ادمی» هم صحبت می‌کند. مدیر انتشارات کتاب فانوس ادامه داد: رجب زاده در آن مقاله به

نسبت غیزانیه و کپرنشین‌ها با آدمکشی در آمریکا

توئیت‌ر علیه ترامپ؟!



شوند: «ما ناچیان دیوارهای کوتاه دنیابیم و کسی آن دیوار بلند را نمی‌بیند؛ بر کنترل خشونت‌های ظاهرین تمرکز می‌کنیم تا کسی خشونت سیستماتیک حال حاضر را نبیند»
حالا وارد دوران جدیدی از جهانی‌شدن شده بودیم. ما موجودات کوچکی هستیم که با بنده‌نوازی مورد استقبال قرار می‌گیریم؛ کسی حق اعمال خشونت علیه ما را ندارد. ما پاره‌تن آنها هستیم به شرطی که خوب کار کنیم و خوب خریم و خوب خرج کنیم و البته؛ به شرطی که از جوهر مقاومت خالی شده باشیم. درست مثل قهوه‌های بدون کافئین؛ روغن‌های بدون کلسترول و بستنی‌های بدون شیر و…

آنها که هستند؟ همان‌هایی هستند که انتظار شنیدنشان را داریم. رهبران جدید دنیا، بیل گیتس و جورج سوروس، کارمندان ارشد اجرایی شرکت‌های گوگل، یاهو، آی‌بی‌ام، اینتل، فیس‌بوک، توئیتر و…

آنها اصرار زیادی دارند که بر روی خشونت‌های ظاهرين (دیوارهای کوتاه‌تر) توقف کنند و اذهان را از توجه به خشونت سیستماتیک (دیوار اصلی ما و آنها) دور کنند. آنها معتقد نیستند که گروه رنج‌کشیده‌ای از آدم‌ها وجود دارد که به دلایل ساختاری دچار مشکلات عمومی شده‌اند. بلکه معتقدند اکثر مشکلات دامن‌گیر مردم طبیعی و سرتوشت آنهاست. به همین ترتیب آنها روی مبارزه با بیماری‌های عمومی مثل سل و مالاریا و ایدز و اخیراً کرونا به شدت تمرکز می‌کنند. بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله هدف اصلی آنهاست و بخش بزرگی از درآمد خود را صرف مبارزه با آسیب‌های این اتفاقات می‌کنند و همه این‌ها تلاشی است برای اینکه این تئوری وجود تقسیم بندی ما / آنها در اذهان و افکار عمومی شکست بخورد. این نیکوکاران چگونه می‌توانند بین خودشان و ما دیواری کشیده باشند؟ آنها که هر روز در افریقا

و هندوستان و جنوب شرق آسیا مشغول کمک به مردم در مواجهه با آسیب‌های طبیعی هستند. پسران و دختران کوچک آنها هر شب دعا می‌کنند که شر بلایای طبیعی از سر زمین کنده شود تا برادر و خواهر افریقایی و رنجور آنها هم بتوانند مثل آنها زندگی کند.

اینجا دیگری جایی برای حرف زدن از تبعات سیستم سرمایه‌داری جهانی شده وجود ندارد. این دیوار بزرگ کشیده شده میان شمال غرب و بقیه دنیا دیگر عملاً وجود ندارد. کسی از آن حرف نمی‌زند و بزرگترین متهمان این دیوارکشی که موجب مرگ و نابودی میلیون‌ها نفر و بهم ریختن وضع زندگی میلیون‌ها تن دیگر شده است امروز در جایگاه ناچیان ایستاده‌اند.

۳. ماجرا همیشه هم طبق تمایلات رهبران نیست. ما ناچیان دیوارهای کوتاه دنیابیم و کسی آن دیوار بلند را نمی‌بیند؛ بر کنترل خشونت‌های ظاهرین تمرکز می‌کنیم تا کسی خشونت سیستماتیک حال حاضر را نبیند»

حالا وارد دوران جدیدی از جهانی‌شدن شده بودیم. ما موجودات کوچکی هستیم که با بنده‌نوازی مورد استقبال قرار می‌گیریم؛ کسی حق اعمال خشونت علیه ما را ندارد. ما پاره‌تن آنها هستیم به شرطی که خوب کار کنیم و خوب خریم و خوب خرج کنیم و البته؛ به شرطی که از جوهر مقاومت خالی شده باشیم. درست مثل قهوه‌های بدون کافئین؛ روغن‌های بدون کلسترول و بستنی‌های بدون شیر و…

آنها که هستند؟ همان‌هایی هستند که انتظار شنیدنشان را داریم. رهبران جدید دنیا، بیل گیتس و جورج سوروس، کارمندان ارشد اجرایی شرکت‌های گوگل، یاهو، آی‌بی‌ام، اینتل، فیس‌بوک، توئیتر و…

آنها اصرار زیادی دارند که بر روی خشونت‌های ظاهرين (دیوارهای کوتاه‌تر) توقف کنند و اذهان را از توجه به خشونت سیستماتیک (دیوار اصلی ما و آنها) دور کنند. آنها معتقد نیستند که گروه رنج‌کشیده‌ای از آدم‌ها وجود دارد که به دلایل ساختاری دچار مشکلات عمومی شده‌اند. بلکه معتقدند اکثر مشکلات دامن‌گیر مردم طبیعی و سرتوشت آنهاست. به همین ترتیب آنها روی مبارزه با بیماری‌های عمومی مثل سل و مالاریا و ایدز و اخیراً کرونا به شدت تمرکز می‌کنند. بلایای طبیعی مثل سیل و زلزله هدف اصلی آنهاست و بخش بزرگی از درآمد خود را صرف مبارزه با آسیب‌های این اتفاقات می‌کنند و همه این‌ها تلاشی است برای اینکه این تئوری وجود تقسیم بندی ما / آنها در اذهان و افکار عمومی شکست بخورد. این نیکوکاران چگونه می‌توانند بین خودشان و ما دیواری کشیده باشند؟ آنها که هر روز در افریقا

و هندوستان و جنوب شرق آسیا مشغول کمک به مردم در مواجهه با آسیب‌های طبیعی هستند. پسران و دختران کوچک آنها هر شب دعا می‌کنند که شر بلایای طبیعی از سر زمین کنده شود تا برادر و خواهر افریقایی و رنجور آنها هم بتوانند مثل آنها زندگی کند.

اینجا دیگری جایی برای حرف زدن از تبعات سیستم سرمایه‌داری جهانی شده وجود ندارد. این دیوار بزرگ کشیده شده میان شمال غرب و بقیه دنیا دیگر عملاً وجود ندارد. کسی از آن حرف نمی‌زند و بزرگترین متهمان این دیوارکشی که موجب مرگ و نابودی میلیون‌ها نفر و بهم ریختن وضع زندگی میلیون‌ها تن دیگر شده است امروز در جایگاه ناچیان ایستاده‌اند.

۳. ماجرا همیشه هم طبق تمایلات رهبران نیست. ما ناچیان دیوارهای کوتاه دنیابیم و کسی آن دیوار بلند را نمی‌بیند؛ بر کنترل خشونت‌های ظاهرین تمرکز می‌کنیم تا کسی خشونت سیستماتیک حال حاضر را نبیند»
حالا وارد دوران جدیدی از جهانی‌شدن شده بودیم. ما موجودات کوچکی هستیم که با بنده‌نوازی مورد استقبال قرار می‌گیریم؛ کسی حق اعمال خشونت علیه ما را ندارد. ما پاره‌تن آنها هستیم به شرطی که خوب کار کنیم و خوب خریم و خوب خرج کنیم و البته؛ به شرطی که از جوهر مقاومت خالی شده باشیم. درست مثل قهوه‌های بدون کافئین؛ روغن‌های بدون کلسترول و بستنی‌های بدون شیر و…

آنها که هستند؟ همان‌هایی هستند که انتظار شنیدنشان را داریم. رهبران جدید دنیا، بیل گیتس و جورج سوروس، کارمندان ارشد اجرایی شرکت‌های گوگل، یاهو، آی‌بی‌ام، اینتل، فیس‌بوک، توئیتر و…

روش خشونت‌باری پاسخ داده شده است. گنج‌کننده‌ترین نقش در این میان را امروز یک عدالتخواه واقعی ایرانی به عهده دارد. او باید چه کار کند؟ اعتراض صرف و بی‌دامنه به کشته شدن پیرزن کرمانشاهی و تیر خوردن جوان خوزستانی او را به لبه پیوستن به آنهایی نزدیک می‌کند که دنبال فرصت‌هایی مثل این‌گونه موارد هستند تا دیوار بزرگ را با تمسک به موارد جزئی تحت پوشش قرار دهند؛ اگر او نداند که امروز با اعتراض علیه این دو اتفاق تلخ مشغول حرف زدن از ساختاری است که برآمده از جهانی شدن تقسیم بندی «ما و آنها» ست. عدالتخواه ایرانی، اگر قرار باشد با کمک‌های خیریه ماجرای اصلی را پوشش دهد و تمایز جهانی ما و آنها را به فراموشی بسپارد دقیقاً در مسیر رهبران جامعه جدید جهانی گام برداشته است؛ همان رهبرانی جامعه جدید جهانی شده‌ای که آنچه امروز و دیروز در غیزانیه و کرمانشاه رخ می‌دهد ثمره مستقیم نفوذ تقسیم بندی «ما / آنها» در کشور پر ماجرای به نام ایران است.

بنابراین عدالتخواه ایرانی اگر به خشونت ظاهرين که در این دو اتفاق رخ داده است اکتفا کند و ساختارهای تقسیم کننده ما / آنها را که در جریان جهانی شدن به یک کشور اسلامی با حاکمیت اسلامی هم این چنین نفوذ کرده است نبیند دچار اشتباهی اساسی شده است. این ساختار تقسیم کننده ما / آنهاست که آن پیرزن را در حاشیه نگه می‌دارد و برای غیزانیه اهمیتی قائل نیست تا آیش را تأمین کند.

طبیعی است که با چنین مقدماتی انتقاد و اعتراض عدالتخواه ایرانی به آنچه امروز در آمریکا در حال رخ دادن است به اندازه اعتراض او به این اتفاقات تلخ در ایران اهمیت دارد. اینجا و آنجا ندارد. عدالتخواه علیه دیوار بلند تقسیم‌کننده ما / آنها در هر جغرافیایی می‌جنگد. شلوغ‌کاری‌های فضای مجازی اما عدالتخواه ایرانی را در معرض خطر بزرگی قرار داده است. یک نگاه عامانانه زمینی (محبوب رهبران جدید دنیا) دائماً به او توصیه می‌کند که آمریکا به ما چه مربوط؟ وقتی در کشور خودمان این همه اتفاق مشابه در حال رخ دادن است. واضح است که آمریکا و هر آنچه در آمریکا رخ می‌دهد به خصوص وقایعی مثل کشته شدن سیاهپوست آمریکایی که فرصتی همزمان برای پنهان کردن و عریان کردن آن دیوار است به عدالتخواه ایرانی مربوط است چون سرمنشأ و علل موجه به وجود آورنده تقسیم بند‌یای که امروز کشور او را با این اتفاقات مواجه کرده است در واقع در بزرگترین حامی و مجری جهانی‌سازی در حال رقم خوردن است و اگر او به جریان اصلی ساختار دنیا بی‌توجه باشد؛ فقط ناتوانی خود را از داشتن یک تصویر پانوما را واقعی از ماجرای غیزانیه و پیرزن کپرنشین نشان می‌دهد.

ماجرا کمی پیچیده است. به این ترتیب است که سوال آیا با وجود این اتفاقات تلخ در ایران اعتراض به آنچه در آمریکا رخ می‌دهد موجه و اخلاقی است سوال اساساً می‌موردی است واضح است که اعتراض به رخ دادن اتفاقی اگر علاوه بر اصل موضوع به اعتراض به سرمنشا و علل اصلی آن میسر باشد مؤثرتر است. اینجاست که باید سمت و سوی اعتراض را به شکلی هوشمندانه به شیوه‌ای که فریب توئیتر و بازی‌های رهبران جدید دنیا را نخورد متوجه ساختار قدرت و آن تقسیم کننده ما و آنها در جهان کنیم. کسی نیست که در این شک ایجاد خودکارا افرادی حذف شده و چشم‌پوشی از بی‌خانمان‌ها تا بیکاران است.

دازای و ایران

بهره نویسنده جهان‌وطن ژاپن از رباعیات خیام



نتیجه رسیدیم که در رمان جهانیبنی خیام مهم و اثرگذار است و باید در ترجمه فارسی هم منتقل شود نه اینکه مشخصاً کدام رباعی منظور دازای بوده است. این بحث درباره خیام در ایران نیز هنوز هم مطرح است و معلوم نیست که کدام رباعیات دقیقاً برای خود خیام است و کدامیک صرفاً به او منسوب است و سروده شاعران دیگر؟ معدنی پور ادامه داد: دازای در رمان سه رباعی خیام را می‌آورد و ما در ترجمه تلاش کردیم سه رباعی از خیام را بیاوریم که فلسفه خیامی را به مخاطب منتقل کند و البته رباعیاتی باشد که انتسابش به خیام جدی‌تر از بقیه رباعی‌ها باشد و به نظرمان آمد که با این سه رباعی که از تصحیح محمدعلی فروغی از «رباعیات خیام» انتخاب شده جان کلام و معنا منتقل می‌شود. به هر حال محتوای نگاه خیام برای دازای مهم بوده و راوی داستان نیز نگاهش خیامی است در عین حالی که درگیر افسردگی و جدافتادگی از جامعه است.

ابره آمد و باز بر سر سبزه گریست * بی بادهٔ گلرنگ نمی‌باید زیست
این سبزه که امروز تماشاگاه ماست * تا سبزهٔ خاک ما تماشاگاه کیست
خیام در دوران حیات دازای هم احتمالاً از روی ترجمه‌های انگلیسی صورت گرفته است. ما هم این رمان را از انگلیسی به فارسی ترجمه‌کرده‌ایم. بنابراین آن رباعیات از متن دازای دوباره به انگلیسی برگشته و در این رفت و آمدها تغییرات زیادی در آنها صورت گرفته است.
وی در ادامه با اشاره به این نکته که در روند ترجمه مشخص نشد که دقیقاً کدام رباعی خیام مدنظر دازای بوده، گفت: ما خیلی جست‌وجو کردیم تا بدانیم که متن فارسی آن رباعیات مدنظر دازای کدام بوده است؟ همانطور که گفتم در رفت و برگشت‌های مکرر ترجمه‌ای معانی آنها تغییر و تحول پیدا کرده بود. در نهایت به این

اخبار

ماجرای باورکردنی مدرسه من

بچه‌ها مدرسه جای عجیب و غریبی است
کتاب «ماجرای باورکردنی مدرسه من»، به نویسندگی دیوید کالی، تصویرگری: پنجامین چاد و ترجمه: رضی هیرمندزی توسط واحد کودک نشر افق چاپ و منتشر شده است.

تازه‌واردش را با خود همراه کند تا جاهای دیدنی مدرسه را نشانش دهد، کتابخانه مدرسه یک هزار توست و برای غذا خوردن در سالن غذاخوری باید مثل یک نینجا مهارت داشته باشد. فکر می‌کنید این مدرسه خیلی عجیب و غریب است؟ حالا کجایش را دیده‌اید؟ مثلاً اتاق مخفی ناظم خیلی عجیب است و اتاق معلم‌ها را کسی خبر ندارد که در آنچه خبر است.

دیوید کالی، نویسنده و تصویرگر و کارتونست تانکون ۴۰ کتاب منتشر کرده، کتاب‌هایی مثل به مدرسه دیر رسیدم چون…، ماجرای باورکردنی تابستان من، ماجراهای بامزه و موزه و شق شبم را ننوشتم که به ۲۱ زبان دنیا ترجمه شده‌اند. دیوید کالی در فرانسه و ایتالیا زندگی می‌کند.

پنجامین چاد برای بیش از ۶۰ کتاب تصویرگری کرده. کتاب‌های مثل شق شبم را ننوشتم، به مدرسه دیر رسیدم و… او همچنین نویسنده کتاب‌هایی چون ترانه خرس و فرار دریایی خرس کتاب‌های برگزیده نیویورک تایمز است. پنجامین در فرانسه زندگی می‌کند. کتاب «ماجرای باورکردنی مدرسه من»، به نویسندگی دیوید کالی، تصویرگری: پنجامین چاد و ترجمه: رضی هیرمندزی، به قیمت ۱۵۰۰۰ تومان، توسط واحد کودک نشر افق چاپ و منتشر شده است.

«هدیه تولد مامان» در کتابفروشی‌ها

انتشارات کتاب نیستان، کتاب «هدیه تولد مامان» را با قلم و تصویرگری منان عشینی روانه بازار کتاب کرد.

داستان این کتاب به زبان ساده از سوی نویسنده آن اینگونه بازگو شده است: «تولد مامان نزدیک بود و دخترک میخواست هدیه خیلی خوبی به مادرش بدهد. هدیه‌ای که مادرش را خیلی خوشحال کند. دخترک فکر میکرد که با نقاشی قشنگی مادر را خوشحال کند اما از هر چه میکشد، راضی نیست…» اما همچون تمام ماجراهایی که بناست باعث رشد قهرمان خود شود، میان تصمیم و هدف، فاصله زیادی وجود دارد و دخترک خردسال و مهربان ماجرا ناچار است تا چالشی بزرگ را به تنهایی پشت سر بگذارد.

«منان عشینی» نویسنده و تصویرگر در این اثر به شکلی هوشمندانه مشکل کمال‌طلبی کودکان را نمایش داده است. او با ترسیم تصویر از زاویه‌هایی نه‌چندان مرسوم، فاصله‌ای میان مخاطب و قهرمان ایجاد کرده و با این کار به فردیت او و به تلاش شخصی‌اش برای مبارزه با ناامیدی، ارزش و اعتبار مضاعفی بخشیده، احترام به حریم خصوصی کودک و رها کاری او برای یافتن راه حل، در رفتار بزرگترها هم دیده می‌شود. غیبت آنان، به معنای بی‌توجهی به کودک نیست. در واقع، این فاصله گرفتن هوشمندانه، فرصت بزرگ شدن، تصمیم گرفتن و عمل کردن مستقل را فراهم می‌کند و کاری به‌ظاهر پیشپاافتاده و روزمره را به موقعیتی برای یادگیری مهارتهای ارزشمند زندگی تبدیل می–کند.

«هدیه تولد مامان» از تصویرگری قوی و متفاوتی برخوردار است که نقش خود را در پیشبرد داستان به خوبی ایفا می‌کند و پیام‌هایی چه بسا بیشتر از واژگان محدود اثر را به مخاطب کمسن انتقال می‌دهد

سیر درونی قهرمان از صفحه نخست تا آخر کتاب، غرق شدن او در دنیای نقاشی و ریزه‌کاری–های دیگر، این اثر را به کاری چند لایه و متفاوت تبدیل کرده که برای والدین و کودکان پنج تا هشت ساله به یک اندازه جالب است.

«منان عشینی» بیان ارتباط عاطفی عمیق میان مادر و دخترک، احساسات و خاطرات شیرین خانواده‌ها را برمی‌انگیزد. وی پیش–تر در کتاب «روزی که خورشید قهر کرد» از همین مجموعه، زاویه دید متفاوت خود را در خلق تصویر به نمایش گذاشته بود اما در اثر فعلی، شاهد خلاقیت بیشتر وی در هر دو عرصه داستان‌نویسی و تصویرگری هستیم.

انتشار کتاب صوتی «سه دیدار» با صدای وحید یامین‌پور

نسخه صوتی کتاب «سه دیدار» با مردی که از ماورای ذهن ما می‌آمد»، نوشته زنده‌یاد نادر ابراهیمی با صدای وحید یامین‌پور توسط انتشارات سوره مهر همزمان با سالروز رحلت امام راحل(ع) منتشر شد

این اثر که ابراهیمی آن را در بین سال‌های ۷۵ تا ۷۷ نوشته شامل تجربیات شخصی این نویسنده از دیدار با امام خمینی (ره) است که جلد اول آن توسط حوزه هنری برای نخستین‌بار در سال ۷۷ منتشر شد. زنده یاد نادر ابراهیمی در جلد نخست مجموعه «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد» با عنوان «رجعت به ریشه‌ها»، به ابعاد متفاوت شخصیت امام (ره) از کودکی تا اختلاف پرداخته است، همچنین در کتاب «در میانه میدان» جلد دوم این مجموعه، مبارزات امام (ره) و حکایت‌هایی از همسر ایشان روایت شده است.ابراهیمی در مقدمه این اثر ضمن تشکر از تمامی کسانی که وی را در نگارش این سه‌گانه یاری کرده‌اند، می‌نویسد: من داستان می‌نویسم، تاریخ نمی‌نویسم. تاریخ‌ها، بسیاری قبل از من نوشته شده است و همزمان با من و بعد از من نیز نوشته می‌شود و خواهد شد، اما داستان، فقط یکبار نوشته می‌شود؛ فقط یکبار. آن‌ها که واقعیت را می‌خواهند نه حقیقت را، و طالب واقعیات تاریخی هستند نه حقایق انسانی، می‌توانند بی‌دغدغه خاطر، به بهترین تاریخ‌ها مراجعه کنند.